

تحلیل محتوایی روایات مهدویت در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام

مسلم کامیاب^۱

چکیده

کتاب «عیون أخبار الرضا»، تألیف شیخ صدوق، از برجسته‌ترین منابع حدیثی شیعه در موضوع شناخت امام رضا علیه السلام و مجموعه احادیث ایشان به شمار می‌رود. پژوهش پیش‌رو با بهره‌گیری از روش «تحلیل محتوا» به فرجام رسیده است. در چارچوب این روش، با تحلیل محتوای بیست روایت مهدوی، بر چند موضوع محوری تمرکز شده است که شاخص‌ترین آن‌ها «شخصیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه» و «ویژگی‌های عصر ظهور» هستند. علاوه بر آن به موضوعاتی همچون دلایل غیبت، فضیلت انتظار فرج و برخی از نشانه‌های ظهور اشاره شده است. دوران ظهور که مهم‌ترین بخش روایات این کتاب را تشکیل می‌دهد؛ با ویژگی‌هایی مانند استقرار حکومت توحیدی جهانی، عدالت فراگیر و تحولات سیاسی ترسیم گردیده است؛ وجود برخی اسناد ضعیف، محتوای تمامی این روایات شاذ نبوده و بخشی از آن‌ها با میراث حدیثی امامیه همخوانی تام دارد. شیخ صدوق در نقل روایات مهدوی امام رضا علیه السلام، رویکردی گزینش‌محور اتخاذ کرده و قصد احصا و ذکر تمامی روایات مرتبط با آن حضرت را نداشته است.

واژگان کلیدی: روایات مهدوی، شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، تحلیل محتوا، شخصیت شناسی امام، عصر ظهور.

۱. استادیار گروه جریان شناسی پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

کتاب‌های حدیثی به عنوان گنجینه معارف اسلامی، ضامن حفظ اصالت معارف دینی و جلوگیری از تحریف و بدعت هستند. این متون حلقه اتصال امت اسلامی به اولیای الهی پس از قرآن کریم به حساب می‌آیند. از طرفی دیگر، مبحث مهدویت به عنوان یکی از ارکان بنیادین کلام شیعی، همواره کانون توجه اندیشمندان و حدیث‌پژوهان بوده است. در این میان، کتاب «عیون اخبار الرضا»، تألیف شیخ صدوق (۳۰۵-۳۸۱ ق) - از برجسته‌ترین محدثان امامی در قرن چهارم هجری - جایگاهی ممتاز در میان منابع حدیثی شیعه دارد.

شیخ صدوق به پاس دو قصیده از صاحب بن عباد (وزیر دانشمند شیعی دولت آل بویه) در مدح امام رضا علیه السلام، این کتاب را تألیف و به وی تقدیم کرد (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۳). در این کتاب ۹۷۵ روایت، در ۶۹ باب تنظیم شده است.

واکاوی نظام مند روایات مهدوی در عیون اخبار الرضا ما را به درکی عمیق‌تر از شکل دهی به اندیشه مهدویت در این اثر رهنمون می‌سازد. همچنین با توجه به آثار مهدوی شیخ صدوق، مانند کمال الدین و تمام النعمه، امکان بازسازی الگوی جامع مهدویت در اندیشه ایشان را فراهم می‌آورد.

تحلیل محتوای روایات این اثر می‌تواند ضمن روشن‌سازی سیر تطور مفهومی مهدویت در قرن چهارم هجری، نقش مؤثر این کتاب را در تکوین گفتمان مهدوی در کنار دیگر متون روایی هم‌عصر به وضوح نشان دهد.

این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای، در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر است: کتاب عیون اخبار الرضا چه حجمی از روایات مهدوی را در خود جای داده است؟ این روایات در چه محورهای موضوعی دسته بندی می‌شوند؟ این روایات عمدتاً بر چه ابعادی از گفتمان مهدویت تأکید دارند؟ آیا می‌توان الگوی خاصی در نحوه چینش و ارائه روایات مهدوی توسط شیخ صدوق در این اثر شناسایی کرد؟ نوشتار تنها با هدف ترسیم تصویری جامع از آموزه‌های مهدویت در این اثر به بررسی دقیق و تحلیل مفاهیم مهدوی موجود در آن محدود می‌شود.



پیشینه شناسی

کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام، به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع حدیثی شیعه، محور پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است. در میان مطالعات انجام‌شده، می‌توان به پژوهش‌های ارزشمندی همچون «اعتبارسنجی سندی و رجالی احادیث پزشکی عیون اخبار الرضا علیه السلام» (اصفهانی، فلاحیان و محمدی، ۱۳۹۹)؛ «مقایسه تطبیقی مباحث توحیدی در نهج البلاغه و روایات عیون اخبار الرضا علیه السلام» (پهلوان، آبدار و آذرخشی، ۱۳۹۸)؛ «نقد و بررسی شیوه‌های شبهه‌پراکنی قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعه با تأکید بر استنادات به عیون اخبار الرضا علیه السلام» (محقق گرمی، دلبری و حق‌پناه، ۱۴۰۴)؛ «واکاوی محتوایی روایات توحیدی امام رضا علیه السلام در عیون اخبار الرضا علیه السلام» (میرغفوریان و بشیر، ۱۴۰۰)؛ مقاله بررسی دو اثر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق (عیون اخبار الرضا و کمال الدین صدوق) (صفری فروشانی، ۱۳۸۶؛ ص ۱۶۶-۲۰۷)؛ اشاره کرد. همان‌طور که از عناوین مقالات هویدا است، این مقالات هر کدام از زاویه‌ای خاص به کتاب عیون اخبار الرضا توجه کرده‌است.

اما در زمینه تحلیل محتوایی روایات، با محوریت آثار و منابع شیعی، می‌توان به منابع متعددی اشاره کرد. به عنوان نمونه، کتاب «حدیث پژوهی مهدویت»، به بررسی فقه‌الحدیثی روایات «باب الغیبه» در کتاب شریف کافی پرداخته است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۳). در این اثر تنها یک باب از روایات کتاب الکافی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. همچنین، مقاله‌ای با عنوان «دراسه حول منهج علی بن ابراهیم القمی فی الروایات المهدویه فی تفسیر القمی»، به تحلیل محتوایی روایات مهدوی در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی اختصاص یافته است (کامیاب و طباطبایی، ۲۰۲۴؛ ص ۱۱۳-۱۳۸). نویسندگان در این مقاله، ضمن بررسی شخصیت علی بن ابراهیم قمی و مسئله انتساب تفسیر به او، به این نتیجه رسیده‌اند که تمام این اثر از وی نیست و بخش‌هایی از آن به دوران پس از او متعلق است. بر پایه روشی علمی و با استناد به اسناد ابتدایی روایات، مؤلفان تنها بیست روایت را مستقیماً از علی بن ابراهیم شناسایی کرده و سپس به تحلیل آن‌ها پرداخته‌اند (همان).

مقاله دیگری با عنوان «بررسی و تحلیل روایات مهدوی قرب الاسناد عبدالله بن جعفر حمیری» (کامیاب، ۱۴۰۳؛ ص ۷۵-۱۰۰)؛ ضمن بررسی شخصیت مؤلف، سیزده روایت مهدوی



این کتاب را مورد مطالعه قرار داده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه محتوای این روایات در منابع هم‌عصر حمیری و نیز منابع متأخر تا قرن پنجم کم‌تر انعکاس یافته‌است؛ اکثر آن‌ها با هسته اصلی آموزه مهدویت و مکتب فکری شیعه تطابق دارد. تنوع موضوعی روایات حمیری، به‌ویژه در زمینه نشانه‌های ظهور و جریان واقفیه، از نکات برجسته این کتاب است.

با وجود این پژوهش‌های عمیق و گسترده، جای خالی مطالعه‌ای جامع که به تحلیل نظام‌مند روایات مهدوی کتاب عیون اخبار الرضا بپردازد، به وضوح احساس می‌شود. این خلأ پژوهشی که تاکنون مورد توجه محققان قرار نگرفته‌است، اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

روش پژوهش

پژوهش پیش رو با روش تحلیل محتوا به سامان رسیده است. این روش از نظر ماهیت پژوهش کمی بوده که از طریق آن، محتوای کیفی روایات، مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخی این روش را، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بر می‌شمارند. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد؛ ولی در حال حاضر، در تحلیل‌های مختلف متون کاربرد دارد. روش تحلیل محتوا، پژوهشگر را قادر می‌سازد تا به تهیه، بیان و ارزیابی یک متن مستقل و بدون دخالت و پیش‌داوری دست یابد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷: ص ۷۷). در تعریف علمی روش تحلیل محتوا باید گفت روشی است که به کمک آن می‌توان پیام‌های یک متن را به صورت عینی و منظم تشریح کرد (همان، ص ۷۹).

در این روش، پس از تقطیع جملات و شناسایی موضوعات اصلی و فرعی، آن‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. یک روایت ممکن است حاوی چند موضوع اصلی و فرعی باشد. در نهایت، مضمون اصلی تحت عنوان «مقوله» استخراج شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۳. خطوط کلی و وضعیت شناسی مهدویت در کتاب عیون اخبار الرضا

روایات مهدوی این اثر، در دو گونه قابل وصف است:

۱. برخی از این روایات، گزارش‌هایی است که مضامین آن تمامی اهل‌بیت از جمله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را شامل می‌شود؛ مانند روایات ضرورت حجت در هر زمان که در این اثر به چشم می‌آید (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۷۲، ح ۴). یا روایاتی که در باب ششم کتاب با عنوان «باب النصوص علی الرضا علیه السلام بالإمامة فی جملة الأئمة الاثنی عشر علیهم السلام» به وجود آمده گانه تصریح کرده است (همان، ص ۴۰-۶۹). در این باب، چندین روایت در ضمن معرفی شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به مسائل مهم مهدوی مانند غیبت (همان، ج ۱، ص ۶۸)، انتظار، عصر ظهور و دستاوردهای آن (همان، ج ۱، ص ۵۸، ۶۲ و ۶۸) اشاره دارد. مجموع این دسته از روایات، هفت مورد است.

۲. روایات خاص مهدوی که در ابواب مختلف این اثر پراکنده است؛ مانند «بابُ فِيمَا جَاءَ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْأَخْبَارِ الْمُتَّفَرِّقَةِ» (همان، ج ۱، ص ۲۷۲)؛ «بابُ فِيمَا جَاءَ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْأَخْبَارِ الْمُتَّفَرِّقَةِ» (همان، ج ۲، ص ۲)؛ «بابُ فِيمَا جَاءَ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْأَخْبَارِ الْمُجْمُوعَةِ» (همان، ج ۲، ص ۲۴)؛ «بابُ فِي ذِكْرِ ثَوَابِ زِيَارَةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ» (همان، ج ۲، ص ۲۵۴). مجموعه تمامی این روایات به دوازده گزارش می‌رسد که هر یک جنبه‌ای خاص و متفاوت از آموزه مهدویت را نمایندگی می‌کند. تنوع موضوعی این روایات قابل توجه است.

۴. اعتبار سنجی روایات مهدوی در عیون اخبار الرضا

روایات مهدویت مندرج در این اثر، بیست مورد است. در فرآیند تحقیق، اسناد تمامی این روایات با روش رجالی مرسوم، واکاوی شده است. براین اساس، اگر در سلسله سند یک روایت، راوی ضعیفی (از دیدگاه علم رجال) وجود داشته باشد، آن روایت از نظر سندی «ضعیف» محسوب می‌شود. البته روشن است که ضعف سند یک روایت، به‌خودی‌خود به معنای نادرستی محتوای آن نیست و ممکن است آن آموزه در روایات معتبر دیگری تأیید شده باشد. از این رو، روایات در دو بخش متمایز قابل تفکیک است:

۱. روایات صحیح‌السند که راویان آن‌ها به وثاقت شناخته شده‌اند. این تعداد روایات ده مورد است (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۲، ۶۵ (دو روایت)، ۲۷۳ (دو روایت)، ۲۹۹، ۳۱۰؛ ج ۲، ص ۷،



۱۲۲ و ۲۶۵)؛ در اسناد این روایات، چهره‌هایی چون عبدالسلام بن صالح هروی (کشی، ص ۶۱۵-۶۱۶ و نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۲۴۵)، ریان بن شیب (همان، ص ۱۶۵). احمد بن زیاد همدانی (حلی، ۱۴۱۱: ص ۱۹)، علی بن ابراهیم بن هاشم (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۲۶۰) ابراهیم بن هاشم (همان، ص ۱۶)، حسن بن محبوب (طوسی، ۱۳۸۱: ص ۳۳۴)؛ محمد بن عمر بن محمد بن سلم بن البراء الجعابی، (طوسی، بی تا: ص ۳۲۶)؛ احمد بن ادريس (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۹۲) علی بن الریان (همان، ص ۲۷۸) عبدالله بن جعفر بن جامع الحمیری (همان، ص ۲۲۰) حضور دارند که همگی در زمره راویان موثق قرار می‌گیرند. همچنین افرادی مانند احمد بن محمد همدانی (ابن عقده)، علی بن حسن بن فضال، حسن بن علی بن فضال و محمد بن علی ماجیلویه (مامقانی، ۱۴۳۱: ج ۳، ص ۱۶۰)؛ در زمره این راویان معتبر جای دارند.

در این میان، برخی از راویان اگرچه به صورت خاص مورد توثیق قرار نگرفته‌اند؛ بر اساس معیار توثیق عام، مورد پذیرش واقع شده‌اند. برای نمونه، محمد بن ابراهیم بن اسحاق به دلیل کثرت روایات نقل شده از سوی شیخ صدوق (در ۳۴۵ سند) (مامقانی، ۱۴۳۱: ج ۱، ص ۴۶۰)؛ حسین بن خالد کوفی با توجه به نقل بنظری از وی و با استناد به قاعده آن که بنظری «لا یرسلون ولا یروون إلا عن ثقه» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۲۵۵، ۳۷۶، ج ۶، ص ۳۰۹)؛ در زمره راویان معتبر محسوب می‌شوند. همچنین حسن بن محمد بن سعید هاشمی کوفی که شیخ صدوق در سال ۳۵۴ هجری در کوفه از او روایت شنیده و ۲۹ حدیث از او نقل کرده، وثاقت او مورد تأیید قرار گرفته است (مامقانی، ۱۴۳۱: ج ۲، ص ۴۰۸).

۲). در مقابل، دسته دیگری از روایات که آن‌ها هم ده روایت است؛ از نظر سندی ضعیف تلقی می‌شوند (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۱، ۵۸، ۶۸، ۶۹ و ج ۲، ص ۴۷، ۵۹، ۶۳، ۶۶، ۱۳۱ و ۲۰۰). این دست راویان با عناوینی چون ضعیف، مهمل یا مجهول توصیف شده‌اند. از جمله این افراد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: فرات بن ابراهیم کوفی (نمازی، ۱۴۱۴: ج ۶، ص ۱۹۴)؛ محمد بن احمد همدانی (همان، ج ۶، ص ۴۳۲)؛ ابوالفضل عباس بن عبدالله بخاری (همان، ج ۴، ص ۳۴۷)؛ محمد بن قاسم بن ابراهیم (همان، ج ۷، ص ۲۹۰)؛ علی بن محمد بن مهرویه قزوینی (همان، ج ۵، ص ۴۷۲)؛ عبیدالله بن عبدالله (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۲۳۱)؛ داود بن سلیمان بن جعفر (مامقانی، ۱۴۳۱: ج ۲، ص ۱۹۶) و حسین بن محمد اشثانی رازی (همان، ج ۲۲،

ص ۴۱۴).

ضعف در اسناد دلیل بر عدم پذیرش روایات نیست و در تحلیل محتوا با بررسی این دست راویان اعتبار مضمونی آنان ثابت خواهد شد.

۵. جایگاه میراث حدیثی مهدوی امام رضا علیه السلام در عیون اخبار الرضا

بخشی از روایات مهدویت کتاب عیون در آثار دیگر صدوق قابل مشاهده است (برای مقایسه ر.ک: صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۷۳؛ همان، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۲۹؛ همان، ج ۱، ص ۲۷۳؛ همان، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۸۰ و ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۴۵). اما برخی دیگر تنها در کتاب عیون اخبار الرضا است (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۳۱ و ۲۰۰). از طرفی دیگر، برخی از میراث حدیثی امام رضا که در سایر متون شیخ صدوق، به ویژه در کمال الدین و تمام النعمه نقل شده است، در کتاب عیون اخبار الرضا دیده نمی شود (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۱ و ۲، ص ۳۷۱، ح ۵). با آن که کتاب عیون اخبار الرضا متأخر از کمال الدین نگارش یافته است؛ تمامی روایات مهدویت امام رضا در این اثر دیده نمی شود. این نشان از آن دارد که شیخ صدوق در گزارش روایات مهدویت عیون اخبار الرضا به صورت گزینشی و بدون انباشت روایت گزارش های حدیثی خود را نقل کرده و در صدد احصای تمامی روایات امام رضا علیه السلام نبوده است. به دنبال این، می توان گفت روایات مهدویت منقول از امام رضا علیه السلام در آثار صدوق به صورت پراکنده منتشر شده و شیخ صدوق برای انتخاب روایت مهدویت در هر اثر، سبکی متفاوت داشته است.

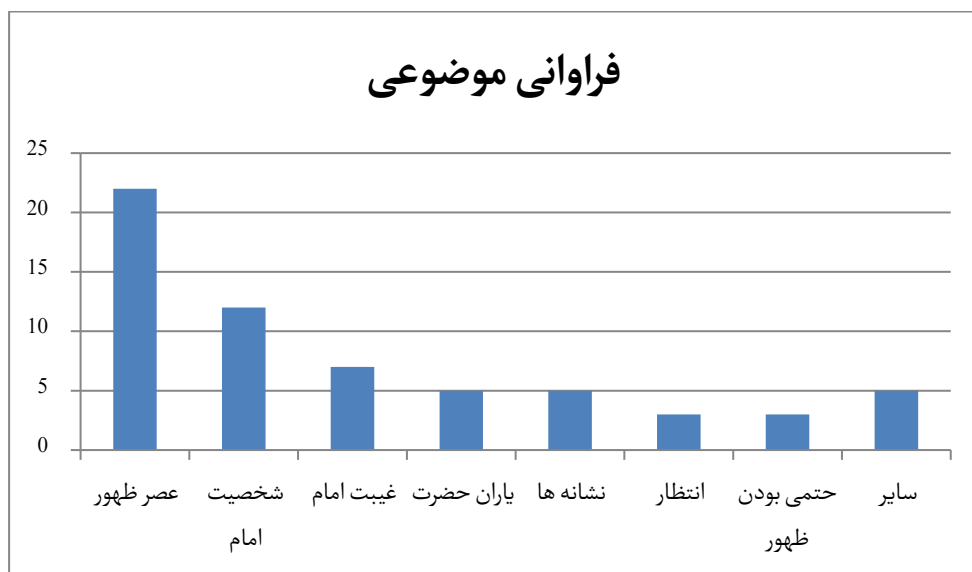
۶. تحلیل کمی روایات مهدوی عیون اخبار الرضا

تحلیل کمی در پژوهش های متنی، به بررسی نظام مند فراوانی واژگان، مفاهیم و مؤلفه های محتوایی می پردازد. این روش با ارائه آمار توصیفی از توزیع عناصر متنی، به شناسایی ساختار محتوایی متن از طریق ترسیم الگوهای تکرارشونده و تهیه نقشه مفهومی اولیه برای ورود به تحلیل های عمیق تر کیفی کمک خواهد کرد.

بررسی محتوای روایات مهدویت در کتاب عیون اخبار الرضا نشان می دهد که از میان بیست روایت منتخب مرتبط با این موضوع، مجموعاً ۶۲ مؤلفه فرعی قابل استخراج است که در قالب



هفت مقوله اصلی طبقه بندی شده‌اند. از حیث آماری، پرتکرارترین مقوله به «ویژگی‌های عصر ظهور و تحولات معرفتی- اجتماعی- سیاسی این برهه» اختصاص یافته است. در مرتبه بعدی، مؤلفه‌های مربوط به «شخصیت شناسی امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام با تأکید بر جنبه‌های معرفتی و سلوک فردی» قرار می‌گیرد. سایر مقولات به ترتیب فراوانی، مباحث غیبت و فلسفه آن، ویژگی‌های اصحاب خاص حضرت، نشانه‌های حتمی و غیرحتمی ظهور، واکاوی مفهوم انتظار فرج و در نهایت برخی موضوعات فرعی دیگر را شامل می‌باشند.



۷. تحلیل محتوایی روایات مهدویت عیون اخبار الرضا

۷-۱. روایات ائمه اثنا عشر از روایان شیعی

صفار قمی (متوفای ۲۹۰ق) نخستین محدثی است که در کتاب «بصائر الدرجات» با بهره‌گیری از تعبیری همچون «الْإِثْنَا عَشَرَ الْأَئِمَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ كُلُّهُمْ مُحَدَّثٌ»، (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۲۰)؛ به نقل از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، به احادیث مربوط به ائمه دوازده‌گانه اشاره کرده است. پس از وی، دیگر محدثان برجسته‌ای مانند کلینی، نعمانی و صدوق نیز در آثار خود به این احادیث پرداخته‌اند. نکته قابل توجه، رویکرد شیخ صدوق در این زمینه است. او پیش از تألیف کتاب

«عیون اخبار الرضا علیه السلام»، در آثاری مانند «کمال الدین» و «الخصال»، به صورت کلی به مجموعه روایات اثناعشر اشاره کرده بود؛ اما مجدد در این اثر برای اثبات امامت امام رضا به این روایات اشاره دارد. صدوق در این زمینه، گاهی روایاتی را ذکر می‌کند که به طور مشخص نام تمامی ائمه در آن ذکر و در میان این روایات، به صورت ویژه به امام عصر علیه السلام و صفات آن حضرت پرداخته شده است. برخی از این روایات به حدیث «لوح حضرت فاطمه علیها السلام» شهرت دارند که در این کتاب به تفصیل مورد توجه قرار گرفته‌اند (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص: ۵۶، ۵۷، ۶۸ و ۶۹).

از جمله روایات شاخص در این زمینه، روایتی است که امام مهدی را این‌گونه معرفی کرده است: «أبو القاسم محمد بن الحسن او حجّت الله القائم» (همان، ج ۱، ص ۴۱). یا در روایت دیگری این چنین نقل شده است: «و سپس امر امامت را به فرزند او (امام زمان علیه السلام) که رحمتی است بر جهانیان (یا برای رحمت به جهانیان) کامل خواهم نمود» (همان، ص ۴۲-۴۵).

البته در این اثر، برخی روایات منقول از صحابه یا تابعان اهل سنت نیز در قالب احادیث خلفای اثناعشر نقل شده است. به عنوان نمونه، از قیس بن عبدالله روایت شده است که مردی بادیه نشین از عبدالله بن مسعود پرسید: «آیا پیامبر شما تعداد خلفای پس از خود را گفته است؟ که ابن مسعود پاسخ داد: «بله، دوازده نفر به عدد نقبای بنی اسرائیل» (همان، ص ۴۸).

وجود باب مستقل با اسناد متعدد در خصوص تعداد ائمه معصوم علیهم السلام و ویژگی‌های امام عصر علیه السلام، گویای اهتمام ویژه شیخ صدوق به موضوع امامت و مهدویت است. تعدد طرق روایی و تکرار اسناد در نقل این احادیث، علاوه بر تأکید بر اعتبار محتوایی، بیانگر مقبولیت و وثاقت این روایات در میان محدثان امامی است.

نکته قابل تأمل، استناد به روایات لوح فاطمه علیها السلام و احادیث خلفای اثناعشر است که در منابع معتبر امامی (مانند الکافی، تألیف حدود ۵۰ سال قبل تر از عیون اخبار الرضا) و مصادر اهل سنت (همچون صحیحین، تدوین شده حدود یک قرن قبل از عیون اخبار الرضا) به چشم می‌خورد. این همخوانی تاریخی، علاوه بر دلالت بر اصالت این مضامین، مؤید اتکای شیخ صدوق به میراث مشترک و مورد اجماع محدثان فریقین است.

به نظر می‌رسد شیخ صدوق با هدف دفع شبهات مخالفان، به ویژه زیدیان که احادیث ائمه اثناعشر علیهم السلام را در عصر غیبت جعلی می‌پنداشتند، طرح این روایات را پاسخی مستدل به این



شبهه می‌دانسته و با نقل آن‌ها در آثار متعدد خود، موضع تشیع امامی را تقویت می‌کرده است (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۶۷).

۲-۷. شخصیت شناسی امام مهدی

۱-۲-۷. هویت امام

در این‌که مهدی موعود مردی از امت اسلامی و از عترت و اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است؛ تردید و اختلافی در بین مسلمانان وجود ندارد؛ اما در نوع شناسایی حضرت، گاهی نام مقدس آن حضرت به صورت «م. ح. م. د» آمده است (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۱ و ج ۲، ص ۷). شیخ در این باره می‌نویسد: «این حدیث به‌گونه‌ای عنوان شده که نام قائم عَلَيْهِ السَّلَام در آن تصریح گردیده؛ ولی عقیده من آن است که تصریح به نام آن حضرت نهی شده است» (همان، ج ۱، ص ۴۱). بر اساس همین اعتقاد در مواضعی دیگر با ذکر احادیثی، به پرهیز از بردن صریح نام ایشان تصریح کرده است (همان، ج ۱، ص ۶۷). به نظر می‌رسد نقل صریح نام خاص حضرت توسط شیخ صدوق، می‌تواند بر اساس نص‌گرایی و التزام محدثان قم به امانتداری در نقل حدیث دانست؛ رویکردی که حتی در مواجهه با روایات ناسازگار با دیدگاه‌های کلامی آنان تداوم داشته است (کامیاب، ۱۳۸۹: ص ۸۹).

همراه با ذکر نام ویژه حضرت، در برخی روایات به نام والدین ایشان نیز اشاره شده است. نام مادر ایشان نرجس خاتون (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۱) و پدر گرمی‌شان امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام ذکر گردیده است (همان، ص ۶۷).

در برخی روایات نیز به نسب ایشان اشاره شده است؛ مانند روایت رسول خدا: «روزگار سپری نشود تا آن‌که مردی از اولاد حسین قیام کند» که نشان می‌دهد امام از ذریه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام است (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۶۶). این تقریر روایی، هم هویت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام را به روشنی ترسیم می‌کند و هم در عین حال، حساسیت‌های مربوط به ذکر نام ایشان را مورد نظر قرار داده است.

البته در منابع دیگری، روایات فراوان دیگری درباره نسب امام، تعابیری مانند «مردی از ما اهل بیت» (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۳۵۱)؛ «مردی از آن‌ها» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۵۰)؛ «مردی از

من» (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۵۸) و «کودکی از ما» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۴۱) به کار رفته است.

۷-۲-۲. ویژگی‌های معنوی امام

بر اساس مستندات، حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان تجلی کامل حجت الهی بر روی زمین (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۱) و مظهر رحمت رب العالمین برای تمامی عوالم وجودی معرفی شده‌اند (همان، ص ۴۴). ایشان واجد جامعیت کمالات انبیا بوده و کمال موسوی، نورانیت عیسوی و صبر ایوبی را به صورت متعالی در خود جمع کرده‌اند (همان، ص ۴۴). از منظر صفات اخلاقی، آن حضرت به تقوای الهی، طهارت باطنی، حسن فعلی، مقبولیت عام، هدایتگری جهان‌شمول و هدایت‌یافتگی ذاتی متصف می‌باشند (همان، ص ۶۲). این صفات، جایگاه بی‌بدیل ایشان را به عنوان واسطه فیض الهی و محور هدایت عالمیان تبیین می‌کند.

در کلامی از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در وصف مقام امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد و خوشا به حال کسی که به او معتقد باشد» (همان، ج ۱، ص ۶۳). البته به غیر از نکته پیش‌گفته، این عبارت نورانی بیانگر مقام والای دوستداران و پیروان حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام است که رستگاری و سعادت ابدی را برای آنان به ارمغان می‌آورد.

۷-۳. غیبت امام زمان

از بنیادی‌ترین مبانی امامیه، مسئله غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است. روایات مربوط به غیبت در منابع شیعی به صورت فراوان و متنوع نقل شده‌اند. سرآمد محدثان در نقل این روایات، مرحوم کلینی است که در باب مستقلی با عنوان «باب فی الغیبة»، به تفصیل به احادیث مرتبط با غیبت پرداخته است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۵). در این اثر از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نیز چنین نقل شده است:

«كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ عِنْدَ فَقْدِهِمُ الثَّلَاثَ مِنْ وُلْدِي يَطْلُبُونَ الْمُرْعَى وَلَا يَجِدُونَهُ...؛ گویا شیعه را می‌بینم، آن زمان که سومین نفر از فرزندانم را نمی‌یابند و به دنبال این هستند که کسی امور آنان را به دست گیرد و شؤون آن‌ها را تدبیر کند، ولی او را نمی‌یابند.»

پرسیدم: چرا، یا ابن رسول الله؟! حضرت فرمودند: «زیرا امامشان غایب می‌گردد.»

پرسیدم چرا؟ فرمودند: «زیرا هنگام قیام، بیعت کسی برعهده گردن او نباشد» (صدوق،



۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۷۳).

در روایتی دیگر از آن امام آمده است:

«لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلَمٍ، تَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيحَةٍ، وَ ذَلِكَ عِنْدَ فِقْدَانِ الشَّيْعَةِ
الثَّالِثِ مِنْ وُلْدِي...»؛ به ناچار، فتنه و آشوبی بسیار سهمگین و خونین رخ خواهد داد که
هر نوع خویشی و قرابت و دوستی و رفاقتی ساقط خواهد شد و از بین می‌رود و این امر،
هنگامی است که شیعه سومین فرزندم را گم کند (همان، ج ۲، ص ۷).

جالب توجه آن که این دو روایت در آثار صدوق چند مرتبه تکرار شده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۷۰، ۴۸۰ و صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۴۵). در این روایت امام رضا علیه السلام، هم به اصل مسئله غیبت و هم به حکمت غیبت اشاره می‌کنند.

در هر دو حدیث، عبارت «الثَّالِثِ مِنْ وُلْدِي» (سومین از فرزندانم) وجود دارد. با توجه به این که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام و نوه امام رضا علیه السلام است، این تعبیر به تأمل نیاز دارد. احتمالاً مراد از «فقدان سومین فرزند»، به شهادت امام حسن عسکری علیه السلام اشاره است که به عنوان سومین امام از نسل امام رضا علیه السلام محسوب و بعد از شهادت ایشان، ابتلائات شیعه با غیبت امام آغاز می‌گردد. به عبارت دیگر، این تعبیر ممکن است به این دلیل باشد که غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران امام عسکری علیه السلام آغاز شد یا اینکه امام عسکری علیه السلام آخرین امام حاضر برای شیعیان بودند و پس از ایشان، عصر غیبت شروع شد. یا ممکن است عبارت «رابع»، به «ثالث» تحریف شده باشد که در این صورت، مراد از فقدان، غیبت خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. البته برای پذیرش چنین تصحیفی وجود قراین و شواهد لازم است که در این مورد خاص، این قراین موجود نمی‌باشد. زیرا در تمام منابعی که این روایت را گزارش کرده‌اند، عبارت «الثَّالِثِ مِنْ وُلْدِي» ذکر شده است (رک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۷۰؛ طبری، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۴۶۰؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۱۱۶۸).

در کنار مسئله غیبت امام، بخشی از این روایات به ابتلائات دوران غیبت اشاره دارد. در این اثر، در روایتی از امام حسین علیه السلام آمده است: «او غیبتی دارد که گروهی در طول آن، مرتد می‌شوند و گروهی نیز ثابت قدم باقی می‌مانند و مورد اذیت و آزار واقع می‌شوند (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۶۸)؛ اما در صورت مقاومت خداوند پادشاه فراوان به آنان خواهد داد و در ادامه فرمود:



«کسی که در زمان غیبت، اذیت و تکذیب مردم را تحمل و صبر کند، مانند کسی است که در رکاب رسول خدا ﷺ بیکار کند» (همان).

به نظر می‌رسد مسئله غیبت و چالش‌های این دوران، یکی از اساسی‌ترین مسائلی بوده که تقریباً در تمامی متون حدیثی بدان اشاره شده است. به عنوان نمونه، قبل از شیخ صدوق، کلینی در باب تمحیص و الامتحان با تنوع، روایاتی در این باره گزارش داده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۷۰ ح ۲، ۳ و ۶).

۴-۷. انتظار

«انتظار» در لغت به معنای «چشم به راه بودن، چشم داشتن» (فرهنگ معین، ص ۳۶۴ و فرهنگ عمید، ص ۱۹۰) و «توقع و چشم‌داشت» (انوری، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۵۸۹) آمده است؛ اما در اصطلاح، به معنای امید به آینده‌ای است که در آن، ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض و زشتی نباشد و جهان از آن‌ها رهایی یابد و عدالت در سراسر گیتی حاکم گردد.

برقی (درگذشته ۲۸۰ق) در کتاب «المحاسن»، نخستین محدثی است که به روایات انتظار اشاره کرده است. وی از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند: «منتظر امام زمان مانند کسی است که با قائم در خیمه اوست، بلکه مانند کسی است که در رکاب او شمشیر زده؛ یا همچون کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت نایل گشته است» (برقی، ۱۳۷۱: ص ۱۷۳-۱۷۴)؛ اما در کتاب «عیون اخبار الرضا»، آموزه انتظار در قالب چند عبارت کوتاه که بیانگر اصل این مفهوم است؛ نمود یافته است. چنین روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این اثر آمده است: «برترین اعمال امت من، انتظار فرج الهی است» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۶). این بیان، اگرچه معنایی عام دارد؛ می‌توان انتظار فرج حجت خدا را نیز از آن استنباط کرد. در دو روایت دیگر این کتاب، تنها به واژه «القائم المنتظر» (همان، ص ۱۲۲ و ۲۶۶) اشاره شده که علاوه بر معرفی امام به عنوان قائم، به مفهوم انتظار کشیدن اشاره دارد.

۷-۵. حتمی بودن قیام قائم

در تحقق وعده الهی به ظهور و قیام امام مهدی تردیدی وجود ندارد. صفار در کتاب «بصائر الدرجات»، جزء اولین محدثانی هست که به حتمی بودن قیام امام مهدی اشاره کرده است



(صفر، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۵۸). در ادامه منابع دیگر، از جمله کتاب «عیون اخبار الرضا» بدین روایات اشاره دارد. در این باره رسول خدا ﷺ فرمود: «قیامت بر پا نشود تا قائم بر حق ما قیام کند» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۵۹). این روایت با بیان ارتباط میان قیامت و ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر جایگاه محوری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نظام آخرالزمانی تأکید دارد. این روایت ظهور را به عنوان پیش شرط قیامت مطرح می‌کند که نشان دهنده اهمیت این رویداد در سیر تکاملی عالم است. براساس روایتی دیگر از رسول خدا ﷺ: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ؛ روزگار سپری نشود تا آن که مردی از اولاد حسین قیام کند» (همان، ج ۲، ص ۶۶). استفاده از قالب «لا تذهب... حتی یقوم»، بر ضرورت و تخلف ناپذیری این وعده تأکید دارد.

۶-۷. زمان ظهور

موضوع زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از مهم‌ترین و پرسش‌برانگیزترین مباحث مهدویت است.

اهمیت این موضوع از آن جا ناشی می‌شود که از سویی با بنیادی‌ترین باورهای شیعی مرتبط است و از سوی دیگر، دارای پیامدهای عملی مهمی در زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان است. یکی از معروف‌ترین روایاتی که در منابع شیخ صدوق متعدد نقل شده؛ جریان ملاقات دعبل خزاعی (م ۲۴۵) با امام رضا علیه السلام است. در پایان قصیده، دعبل از زمان ظهور سوال می‌کند که امام می‌فرماید: «این مانند، خبر دادن به وقت قیامت است» و در ادامه، حضرت با استناد به کلام پیامبر خدا: «فَقَالَ مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يَجْلِيهَا لَوْفُهَا إِلَّا هُوَ... لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»؛ فرمود: مثل او مثل روز قیامت است که آشکارا نکنند امر قیامت را مگر خدا... و نیاید به شما قیامت مگر ناگهان»؛ کلام خود را تکمیل کردند (همان، ج ۲، ص ۲۶۶). منظور آن حضرت این است همان طور که قیامت را کسی نمی‌داند چه وقت واقع می‌شود؛ ظهور حضرت قائم علیه السلام را نیز کسی نمی‌داند و همان طور که برای کسی اخبار آن وقت روا نیست؛ اخبار از این وقت نیز چنان خواهد بود و ناگهان اتفاق می‌افتد.

روایتی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره زمان قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف عنوان شده است که حضرت فرمودند: «قیامت برپا نشود تا قائم بر حق ما قیام کند، و آن، هنگامی است که خداوند به او اذن

دهد» (همان، ج ۲، ص ۶۰). این دسته از روایات که با عبارت «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى...» شروع می‌شود، در منابع اهل سنت معمولاً ذیل مباحث «اشارات الساعة» (نشانه‌های قیامت) مطرح می‌گردد؛ اما در این جا به رابطه ضروری میان ظهور قائم عَلَيْهِ السَّلَام و وقوع قیامت اشاره دارد. با این حال، این ارتباط را نباید به معنای ترتیب زمانی مستقیم و فوری میان این دو واقعه تفسیر کرد، بلکه بیانگر نقش بنیادین و محوری حکومت مهدوی در فراهم‌آوری بسترهای لازم برای تحقق قیامت است.

نکته اساسی در این روایت، تأکید بر این اصل است که زمان ظهور کاملاً در حوزه اختیارات و مشیت الهی قرار دارد و هرگونه تلاش برای تعیین وقت مشخص برای آن را باطل می‌شمرد. این مضمون با مجموعه روایات دیگری که با عنوان «کراهیت توقیت» و با مضامینی عنوان شده‌اند، همچون «كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ؛ دروغ گفتند وقت‌گذاران» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۶۸-۳۶۹)؛ همخوانی و هماهنگی کامل دارد. این روایات به صورت متواتر بر ممنوعیت تعیین زمان ظهور تأکید دارند و هرگونه ادعای زمان‌گذاری را مردود می‌شمارند (طبسی، ۱۳۹۷: ص ۲۴-۸۸).

۷-۷. نشانه‌های ظهور

در بررسی نشانه‌های ظهور در روایات، پژوهشگران مهدوی معمولاً این نشانه‌ها را به دو دسته «نشانه‌های حتمی» و «نشانه‌های غیرحتمی» تقسیم می‌کنند. نشانه‌های حتمی که با واژگانی مانند «المحتوم» مشخص شده‌اند، عموماً پنج مورد اصلی را شامل می‌شوند: خروج سفیانی، خسف بیداء، قیام یمانی، قتل نفس زکیه و ندای آسمانی.

در منابع اولیه مکتوب شیعی بین سال‌های ۲۸۰ تا ۳۳۰ قمری همچون «محاسن» برقی، «بصائر الدرجات» صفار، «قرب الاسناد» حمیری و حتی «الکافی» کلینی؛ روایات اندکی در باب نشانه‌های ظهور دیده می‌شود (سلیمیان، ۱۳۹۸: ص ۱۶۴). با این حال، اگرچه در دوران نعمانی به بعد شاهد گزارش‌های بیش‌تری درباره نشانه‌های ظهور هستیم، شیخ صدوق در آثار خود - در مقایسه با دیگر محدثان - روایات کم‌تری را در این زمینه نقل کرده است. بر همین اساس، در کتاب «عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام»؛ روایات محدودی به این موضوع اختصاص یافته است.



در روایتی از امام رضا علیه السلام چنین نقل شده است: «تا زمانی که آسمان از ندا دادن نام صاحب امر و زمین از فرو بردن لشکر [سفیانی] آرام نگیرد، شما نیز آرام باشید» (صدوق، ۱۳۷۸: ص ۳۱۰-۳۱۱). در این روایت به ندای آسمانی و خروج سفیانی اشاره شده است.

۷-۸. دوران خروج امام

در دوران ابتدایی خروج و ظهور امام، روایات فراوانی وجود دارد که حاکی از همراه داشتن میراث انبیای الهی توسط امام مهدی علیه السلام است. در این روایات به مواردی همچون سنگ موسی، انگشتر سلیمان (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۷۶)؛ پیراهن یوسف (همان، ج ۲، ص ۶۷۴)؛ زره (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۷۵)؛ شمشیر، عمامه، برد، چوب دستی، پرچم، زین و سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۲۴) و لباس امام علی علیه السلام (همان، ج ۶، ص ۴۵۶) اشاره شده است.

بر اساس روایتی از کتاب «عیون اخبار الرضا» - که در سند آن چندین محدث ناشناخته و مهمل وجود دارد- زمانی که قیام امام مهدی علیه السلام می‌رسد، برای حضرت پرچمی است که خود به خود باز می‌شود؛ و خداوند آن را به سخن می‌آورد. او می‌گوید: «ای ولیّ خدا! قیام کن و دشمنان خدا را بکش» و این دو (یعنی باز شدن پرچم و نطق او) دو علامت و نشانه برای او هستند. و نیز شمشیری غلاف شده‌ای دارد، که وقتی زمان قیامش فرا رسد، آن شمشیر از غلاف خود خارج می‌شود و خداوند آن را به سخن می‌آورد شمشیر صدا می‌زند و می‌گوید:

«ای ولیّ خدا به پا خیز که دیگر برای تو جایز نیست از پیکار با دشمنان خدا باز ایستی.» پس، حضرت قیام می‌کند و دشمنان خدا را- در هر جا به دست آورد- می‌کشد (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۶۳). در این روایت سخن از پرچم یا شمشیر انبیای الهی، به خصوص میراث نبوی نیست و احتمال دارد که پرچم و یا شمشیر شخص خود امام باشد؛ اما نکته قابل توجه آن است که در منابع دیگری این سنخ روایت با این ویژگی گزارش نشده است و می‌تواند از روایات خاص صدوق دانست.

اما به هر حال در صورت پذیرش، این روایت نشان می‌دهد که ظهور حضرت مهدی علیه السلام با نشانه‌های روشنی همراه خواهد بود که برخی از آن‌ها معجزه‌آسا است و به اذن الهی محقق



خواهد شد.

۷-۹. یاران امام مهدی در عصر ظهور

حرکت جهانی امام مهدی به یارانی نیاز دارد که در روایات به دو دسته «یاران بشری» و «یاران غیر بشری» اشاره شده است.

۷-۹-۱. یاران بشری

در روایات شیعی، به موضوع یاران امام به صورت گسترده پرداخته شده است. نعمانی با ترتیب دادن باب مستقلی، با نقل سیزده روایت به بررسی تعداد، اوصاف، نحوه حضور در کنار امام، مکان حضور و ویژگی‌های شخصی (مانند تیره، قبیله و سن) آنان پرداخته است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۱۱). عیاشی نیز با شش روایت (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۶۴، ۶۷؛ ج ۲، ص ۳۲، ۱۴۰، ۱۵۶ و ۲۶۱) و شیخ طوسی با نقل چهار روایت (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۷۲، ۴۷۶ و ۴۷۷)؛ به توصیف یاران بشری حضرت پرداخته‌اند. وجه اشتراک تمامی این منابع، تأکید بر تعداد ۳۱۳ نفر به عنوان یاران ویژه امام است که در روایات به آن اهتمام ویژه‌ای شده است.

در کتاب «عیون الأخبار»، روایتی نسبتاً بلند از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که در آن به ویژگی‌های یاران امام مهدی عَجَلُ اللهِ عَلَيْهِ اشاره می‌شود. پیامبر در این روایت خطاب به ابی بن کعب می‌فرماید: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در توصیف یاران امام مهدی عَجَلُ اللهِ عَلَيْهِ فرمودند:

برای مهدی گنج‌هایی است - نه از طلا و نقره- بلکه از اسب‌های کامل‌الخلقت و نیرومند، و پیاده‌نظامی با نشانه‌های مشخص. خداوند از دورترین شهرها به تعداد اهل بدر [سیصد و سیزده نفر] برای او سپاه گرد می‌آورد. او نوشته‌ای لاک و مهر شده در دست دارد که در آن تعداد و نام‌های اصحابش، نسب و شهرهایشان، خلق و خو، ظاهر، چهره و کنیه آنان ثبت شده است. این افراد جنگاورانی فرمانبردار و مجدّد در عمل هستند (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۶۳).

در این نظام دقیق و برنامه‌ریزی‌شده، حضرت عیسی بن مریم عَلَيْهِ السَّلَام، به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته الهی، به یاری امام مهدی عَجَلُ اللهِ عَلَيْهِ خواهند شتافت. در منابع فریقین، روایات متعددی به موضوع نزول ایشان در عصر ظهور اشاره کرده‌اند. از جمله امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام



فرموده‌اند: «هنگامی که مهدی از فرزندان من قیام کند، عیسی بن مریم علیه السلام نزول خواهد کرد و پشت سر او نماز خواهد خواند» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۲۰۰). بر اساس روایات دیگر، کارکرد نزول حضرت عیسی نصرت و یاری امام است. شیخ صدوق در کتاب الامالی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است: «مهدی از ذریه من است؛ هنگامی که قیام کند، عیسی بن مریم علیه السلام برای یاری او فرود خواهد آمد، او را مقدم خواهد داشت و پشت سرش نماز خواهد گزارد» (همان، ص ۲۱۸).

محوریت اطاعت از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاری رساندن به ایشان نشان دهنده وحدت ادیان و نقش انبیا در تکمیل حکومت جهانی را نشان می‌دهد و گویای آن است که تحقق آرمان‌های الهی، به هماهنگی و همکاری همه نیروهای صالح در عرصه جهانی نیازمند است. در برخی روایات این اثر، با دستوری کلی بر یاری کردن امام تأکید شده است. در روایتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «بندگان خدا! به سوی او بشتابید؛ حتی اگر به صورت خزیدن بر روی برف باشد؛ چرا که او خلیفه خدا و خلیفه من است» (همان، ص ۵۹). این گزارش نشان دهنده وجوب مطلق پیروی از امام است، حتی در سخت‌ترین شرایط.

۲-۹-۷. فرابشری

در دسته‌ای از روایات، به یاوران فرابشری امام اشاره شده است. در روایت معروف ابن شیبب- پس از بیان وقایع محرم- به چهار هزار فرشته اشاره شده است که برای یاری امام حسین علیه السلام نازل شدند؛ ولی به اذن الهی نرسیدند و تا زمان ظهور در کنار قبر آن حضرت باقی می‌مانند. این فرشتگان با ظاهری ژولیده و حالتی حزن‌آلود، در زمان ظهور به یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌پیوندند و شعار «بالثارات الحسین» سر می‌دهند (همان، ج ۱، ص ۲۹۹). این موضوع بیانگر پیوند عمیق بین قیام عاشورا و نهضت جهانی مهدوی است؛ به گونه‌ای که حتی فرشتگان الهی در این مسیر مشارکت دارند.

همچنین در روایتی دیگر آمده است: «در سمت راست آن حضرت و میکائیل در سمت چپ ایشان خواهند بود» (همان، ص ۶۳). قرار گرفتن جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ امام، نشان دهنده نظام خاص الهی در حمایت از حجت خدا است. در روایت دیگری آمده



است؛ بادها را فرمانبردار او، ابرهای سخت و سهمگین را در مقابل او و برای او خوار و ذلیل خواهیم کرد و او را به آسمان‌ها خواهیم برد و با لشکریانم یاری‌اش خواهیم کرد و با ملائکه‌ام مددش خواهیم رساند (همان، ص ۲۶۲).

به نظر می‌رسد سنخ این روایات که در منابع دیگری فراوان ملاحظه می‌شود (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۱۰ و ابن قولویه، ۱۳۵۶: ص ۸۴ و ۱۲۰)؛ تصویر جامعی از حمایت‌های فرابشری از حکومت مهدوی ارائه می‌کنند. از یک سو، حضور فرشتگانی که قرن‌ها در انتظار ظهور به سر برده‌اند و از سوی دیگر، همراهی فرشتگان مقرب الاهی؛ همگی بیانگر عظمت و اهمیت قیام جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این حمایت‌ها نه تنها جنبه مادی دارد، بلکه بیش‌تر جنبه معنوی و روحانی آن مورد تأکید است؛ چرا که فرشتگان مظهر رحمت و قدرت الاهی هستند و حضور آنان در کنار امام، نشانه تأیید و پشتیبانی پروردگار از این نهضت جهانی است.

۷-۱۰. دوران ظهور

دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که درخشان‌ترین و روشن‌ترین دوران زندگی انسانی است؛ ویژگی‌های فراوانی دارد. از جمله مهم‌ترین آن‌ها حاکمیت واپسین معصوم و حجت الاهی است که به «ایام الله» شهره شده است (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۱۰۸). همان‌طور که در تحلیل کمی بیان شد، بیش‌ترین روایات در این اثر به این دوران متعلق است که خود در گونه‌های مختلفی جای‌گذاری می‌شود:

۷-۱۰-۱. حاکمیت توحید

در عصر ظهور، حاکمیت توحیدی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت کامل و همه‌جانبه تحقق خواهد یافت. روایتی که امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کنند: «وَيَجْمَعُ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي؛ و خلق را بر توحید و یکتاپرستی گرد آورد» (همان، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۶۴)؛ به وضوح نشان می‌دهد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همه انسان‌ها را حول محور توحید ناب الاهی گرد خواهد آورد. این وحدت حقیقی، که از عمیق‌ترین لایه‌های معرفتی و ایمانی نشأت می‌گیرد، تنها در سایه حکومت جهانی امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف امکان تحقق می‌یابد. چنین وحدتی نه صرفاً در ظواهر و شعائر، بلکه در باطن و حقیقت ایمان مردم ریشه خواهد دواند.



این حاکمیت الهی است که در آن، احکام اسلامی به طور کامل اجرا خواهد شد. همان‌گونه که در روایت نبوی آمده است: «قائم کسی است که حلال و حرام را آن‌گونه که من حلال و حرام کرده‌ام، به اجرا می‌گذارد» (همان، ص ۵۸). امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دقیقاً بر اساس همان معیارهایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تعیین فرمودند، به تشریح و اجرای احکام می‌پردازد. این بیان نشان می‌دهد که کوچک‌ترین تغییری در حدود الهی ایجاد نخواهد شد و تمام احکام به همان صورتی که در شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم آمده است؛ اجرا می‌شود.

در روایتی دیگر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «و حدود الهی را برپا کرده، اجرا و به حکم خداوند حکم می‌کند» (همان، ص ۶۳). این روایت بر دو جنبه اساسی حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید دارد: نخست، برپاداشتن دقیق حدود الهی است که ضامن سلامت و امنیت جامعه می‌باشد، و دوم، قضاوت و حکمرانی بر اساس معیارهای الهی که تضمین‌کننده عدالت واقعی در جامعه است. محور این دو جنبه، اراده الهی است که بر الهی بودن ماهیت این حکومت تأکید دارد.

تمام این حاکمیت بر اساس یک نظام الهی شکل خواهد گرفت. در روایتی از پیامبر خدا آمده است: «خداوند را تصدیق می‌کند و قبول دارد و خداوند نیز او را در گفتارش تصدیق می‌کند» (همان، ص ۶۲) روایت که به «یصدق الله» و «یصدق الله» اشاره دارد، بیانگر رابطه دوسویه میان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پروردگار متعال است. از یک سو امام سخنان الهی را تصدیق و از سوی دیگر خداوند او را در گفتار و رفتار تأیید می‌کند. این تأیید الهی نشانگر آن است که حکومت مهدوی نه یک طرح بشری، بلکه تحقق عینی اراده الهی در زمین است.

۷-۱۰-۲. عدالت گستری

نماد تحول در دوران ظهور، «عدالت گستری» است در روایات فراوان و از جمله این اثر، پیامبر خدا می‌فرماید: «چتر عدالت را در سراسر جهان بر سر همه جهانیان بگستراند؛ همان‌طور که پرچم ظلم و ستمکاری همه جا را تیره و تار ساخته بود» (همان، ج ۲، ص ۶۶). تعبیر روایت نشان می‌دهد همان‌گونه که ظلم به تمام معنا بر جهان حاکم شده است، عدالت نیز به همان اندازه فراگیر و همه‌جانبه خواهد بود.

در عبارتی دیگر باز رسول خدا در شان امام مهدی فرمودند: «به عدل حکم می‌کند و به عدالت دستور می‌دهد» (همان، ص ۶۲). این عبارت بیانگر دو بعد نظری و عملی عدالت در حکومت مهدوی است. در واقع، «عدالت» هم در مقام قانونگذاری و هم در مقام اجرا، محور اصلی خواهد بود. این تعبیر نشان می‌دهد عدالت در عصر ظهور «شعار» نیست، بلکه در تمام سطوح حکمرانی نهادینه خواهد شد.

این عدالت همه‌جانبه که در روایت به آن اشاره شده است، تمام شئون زندگی بشر را دربرمی‌گیرد؛ از عدالت فردی و اخلاقی گرفته تا عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. در چنین نظامی، حقوق همه انسان‌ها به صورت مساوی رعایت می‌شود و تبعیض و ناعدالتی جایی در آن ندارد.

۷-۱۰-۳. تحول سیاسی

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با قیام جهانی خود، نظام ظالمانه حاکم بر جهان را به طور ریشه‌ای دگرگون خواهد ساخت. این تحول عظیم که پیش‌نیاز ضروری برای استقرار عدالت الاهی است، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی می‌باشد که در روایات معصومان علیهم السلام به روشنی تبیین شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بیانی ژرف فرموده‌اند: «زمین را با آخرین آنان از لوث وجود دشمنانم پاک خواهم کرد» (همان، ج ۱، ص ۲۶۴). این تعبیر نشان‌دهنده آن است که پاکسازی زمین از لوث وجود دشمنان، امری فراگیر و همه‌جانبه خواهد بود. این پاکسازی به حذف فیزیکی ظالمان محدود نیست؛ بلکه زدودن تمامی آثار و پیامدهای مخرب حکومت آنان در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را نیز شامل می‌شود.

در روایتی دیگر آمده است: «يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَيْثُ تَقَفَهُمْ؛ دشمنان خدا را در هر کجا که یافت شوند، می‌کشد» (همان، ص ۶۳). قید «حَيْثُ تَقَفَهُمْ» (هر جا که یافت شوند) بیانگر جهانی بودن این تحول است. این رویکرد قاطعانه، به مرزهای جغرافیایی خاصی محدود نیست و تمامی کانون‌های فساد و طغیان را در سراسر گیتی در بر خواهد گرفت.

۷-۱۰-۴. حاکمیت جهانی

روایات متعددی به وسعت بی‌سابقه حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد. چنان‌که در روایتی



از پیامبر خدا آمده است: «... وَ لَأَمْلِكَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا ..؛ شرق و غرب عالم را به ملک و اختیار او درخواهم آورد» (همان، ص ۲۶۲) و در عبارتی دیگر آمده است: «آخرین آنان قائم است که خداوند متعال با دست او شرق و غرب عالم را فتح می‌کند» (همان، ص ۶۵).

فعل «لأملکنه» (در متن حدیث) با تأکید بر فاعل بودن خداوند، مشروعیت الهی این حکومت را نشان می‌دهد. این، نوعی تفویض اختیار از سوی خداوند است، نه قدرت‌گیری زمینی. همچنین عبارت «مشارق الأرض و مغاربها»، اشاره به شرق و غرب نمادی از وحدت تمام تمدن‌ها و فرهنگ‌ها تحت پرچم توحید است و به روشنی بر جهان‌شمولی کامل این حکومت تأکید دارد.

۷-۱۰-۵. انتقام در عصر ظهور

روایات حکومت مهدوی با یکدیگر همداستان نیست؛ اما روح کلی آنان، سیره حکومتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر اساس دستوره‌های الهی و قرآن دانسته است. با این وصف، سخن از انتقام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برخی روایات ذکر شده است. عبد السلام بن صالح هروی می‌گوید:

به حضرت رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف گفتم: «نظرتان درباره این حدیث از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست: «زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، فرزندان قاتلان حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف را به خاطر کردار پدرانشان خواهد کشت؟» حضرت فرمودند: «همین طور است»، پرسیدم: پس معنای این آیه چیست: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: ۱۶۴)؛ هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نخواهد کشید.» فرمودند: «خداوند در تمام گفتارهایش صادق است؛ لکن فرزندان قاتلان حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف از کردار پدرانشان راضی هستند و به آن افتخار می‌کنند و هر کس از کاری راضی باشد، مثل کسی است که آن را انجام داده‌است. اگر کسی در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب از این قتل راضی باشد، نزد خدا با قاتل شریک خواهد بود، و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام قیام خود، به خاطر رضایتشان از کردار پدران، ایشان را خواهد کشت» (صدوق، ۱۳۷۸؛ ج ۱، ص ۲۷۳).

در روایت دیگری حضرت فرمودند: «به وسیله او از دشمنان انتقام گرفته می‌شود» (همان، ج ۱، ص ۵۸).



۷-۱۰-۶. دجال

بحث دجال در میراث شیعی نسبت به اهل سنت به صورت تقلیل یافته گزارش شده است. به ویژه در منابع اولیه شیعی گزارش‌های محکمی درباره آن وجود ندارد. برقی در روایتی از امام صادق علیه السلام آورده است: «دشمنان اهل بیت اگر دجال را درک کنند، به او ایمان می‌آورند» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۹۰). صفار در بصائر به صورت کلی تنها از خروج او خبر داده است (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۹۷).

بر همین اساس، در این اثر به صورت کلی از دجال سخن گفته شده است. در این باره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر کس در آخر الزمان با ما به ستیز برخیزد و بجنگد، مانند آن است که در لشکر دجال با ما به جنگ برخاسته باشد» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۴۷). تشبیه مبارزان ضد اهل بیت در آخرالزمان به همراهان دجال، نشانگر شدت خطر و عمق انحراف این گروه است. این تشبیه به خوبی بیان می‌کند که چنین افرادی در همان سطح دجال قرار دارند و از همان جبهه باطل محسوب می‌شوند.

۷-۱۰-۷. جایگاه مردم در عصر ظهور

در لابه لای متون حدیثی این اثر، خطاب‌های متعددی از ائمه معصوم علیهم السلام به مردم دیده می‌شود که دو جنبه اساسی حکومت مهدوی را ترسیم می‌کنند: نجات بخشی مؤمنان و عواقب سخت رویگردانی مخالفان. امام رضا علیه السلام با تعبیر «المُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ؛ اطاعت شده در ظهورش» (همان، ص ۲۶۶)؛ بر حاکمیت مطلق و همه جانبه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف تأکید می‌ورزد که هم ولایت تکوینی و هم ولایت تشریحی را شامل می‌شود. این حاکمیت جهانی در روایت: «وَمَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ؛ هر که از او پیروی کند، نجات یابد و هر که از او تخلف ورزد، هلاک شود» (همان، ص ۶۰)؛ نشان دهنده دو سرنوشت کاملاً متمایز برای پیروان و مخالفان آن حضرت است. این دوگانگی در سرنوشت انسان‌ها، در عبارت «رَحْمَةً عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَاباً عَلَى الْكَافِرِينَ؛ رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران» (همان، ص ۶)؛ به وضوح بیان شده است.



۷-۱۱. استمرار حاکمیت اولیای الهی تا قیامت

در بررسی دوران پس از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، روایات متعددی به مسئله رجعت و تداوم حکومت الهی اشاره دارد. امام رضا علیه السلام در پاسخ به پرسش مأمون درباره رجعت، با استناد به قرآن و سنت پیامبر تأکید می‌فرماید که رجعت حقیقتی انکارناپذیر است که در امت‌های پیشین نیز وجود داشته است. ایشان به این حدیث نبوی اشاره می‌کنند: «هر آنچه در امت‌های گذشته اتفاق افتاده است؛ در این امت نیز دقیقاً به همان شکل رخ خواهد داد» (همان، ج ۱، ص ۲۵).

همچنین در روایتی دیگر، امام رضا علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کنند: «... ثُمَّ لَأُدِيمَنَّ مُلْكَهُ وَ لَأُدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ قطعاً حکومت او را ادامه خواهیم داد و روزگار را تا روز قیامت در میان اولیای خود دست‌به‌دست خواهیم کرد» (همان، ص ۲۶۴). فعل «لادیمن» با صیغه تأکیدی، بیانگر تداوم ابدی حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این استمرار، نه به شکل فیزیکی، بلکه به عنوان نظامی الهی تا قیامت تداوم خواهد یافت.

این استمرار و چرخش قدرت در میان اولیای خداوند خواهد بود و حکومت در میان صالحان تا روز قیامت دست به دست می‌شود. از این رو، این نظام حکومتی موقتی و گذرا نخواهد بود. این وعده الهی در واقع تصویرگر تداوم پروژه الهی در زمین است که با ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به نقطه اوج خود رسیده و تا پایان تاریخ بشریت ادامه خواهد یافت. چنین برداشتی، امید به آینده را در دل مؤمنان زنده نگه می‌دارد و نشان می‌دهد که حکومت الهی هرگز از زمین قطع نخواهد شد.



نتیجه گیری

شیخ صدوق، از بزرگان حدیث شیعه، کتاب «عیون اخبار الرضا ع» را در ۶۹ باب و ۹۷۵ روایت تألیف کرده که از منابع معتبر شیعی است. این کتاب شامل ۲۰ روایت مهدوی است که برخی اسناد معتبر و برخی ضعیف دارند و به هفت موضوع اصلی، از جمله ویژگی‌های عصر ظهور و شخصیت امام زمان ع، تقسیم می‌شوند. در این اثر، امام مهدی ع با نام «ابو القاسم محمد بن الحسن» و عنوان «حجت الله القائم» معرفی شده و به موضوعاتی مانند غیبت، عدم بیعت با ظالمان، فضیلت انتظار فرج، نشانه‌های ظهور (مانند ندای آسمانی و خسف بیداء)، و قیام امام به عنوان شرط تحقق قیامت پرداخته شده است. همچنین در دوران ظهور، حاکمیت جهانی توحیدی و عدالت گسترده برقرار می‌شود و یاران امام ۳۱۳ نفر، فرشتگان و نیروهای فرابشری را شامل هستند. به‌رغم ضعف سندی برخی روایات، این کتاب به مباحث بنیادین مهدویت در چارچوب آموزه‌های اصیل شیعی پرداخته است.

در مقایسه این اثر با آثار پیشین، می‌توان برخی آموزه‌ها را پیگیری و مقایسه کرد. به عنوان نمونه، صفار قمی در «بصائر الدرجات» نخستین محدثی است که با تعبیری مانند «الإثنا عشر الأئمة من آل محمد کُلُّهُمْ مُحَدَّثٌ»، به احادیث ائمه دوازده‌گانه اشاره کرده است. پس از وی، کلینی، نعمانی و صدوق در آثار خود به این احادیث پرداختند در مورد یاران امام مهدی ع. نیز تعداد ۳۱۳ نفر مورد تأکید قرار گرفته و نعمانی و دیگر محدثان به ویژگی‌های آنان پرداخته‌اند.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**، مصحح: هارون، عبد السلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). **کامل الزیارات**؛ محقق: امینی، عبد الحسین، نجف اشرف، دار المرتضویة.

۳. اصفهانی، سید عبدالله؛ فلاحیان، پروانه و محمدی، فرحناز (۱۳۹۹). **اعتبارسنجی سندی-رجالی احادیث پزشکی عیون اخبار الرضا (ع)**، اسلام و سلامت، بابل: دانشگاه علوم پزشکی بابل، دوره ۵، شماره ۲، ص ۱۰۶-۱۱۳.

۴. انوری، حسن (۱۳۸۱). **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران، سخن.

۵. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). **المحاسن**، محقق: جلال الدین، قم، دار الکتب الإسلامیة.

۶. پهلوان، منصور؛ آبدار، اعظم و آذرخشی، مصطفی (۱۳۹۸). **بررسی تطبیقی معارف توحیدی در خطب نهج البلاغه و روایات عیون اخبار الرضا (ع)**، قم، بنیاد نهج البلاغه، پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۶۲، ص ۵۷-۸۰.

۷. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). **خلاصه الاقوال**، مصحح: محمدصادق بحر العلوم، نجف اشرف، دار الذخائر.

۸. خنیفر و مسلمی (۱۳۹۷). **روش‌های پژوهش‌های کیفی**، تهران، نگاه دانش.

۹. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). **معجم رجال الحدیث**، قم، مرکز نشر آثار شیعه.

۱۰. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). **علل الشرایع**، قم، کتاب فروشی داوری.

۱۱. _____ (۱۳۸۷). **عیون اخبار الرضا**. مصحح: مهدی لاجوردی. تهران، نشر جهان.

۱۲. _____ (۱۳۹۵). **کمال الدین و تمام النعمة**. تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامیة.

۱۳. _____ (۱۳۶۲). **الخصال**، محقق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.



۱۴. صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۸۶). *بررسی دو اثر تاریخ نگاری شیخ صدوق*، تاریخ پژوهان، شماره ۱۰، ص ۱۶۶-۲۰.

۱۵. طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). *دلائل الامامه*، قم، قسم الدراسات الإسلامية مؤسس.

۱۶. طبسی، نجم الدین (۱۳۹۷). *توقیت*، قم، مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). *الغیبة*، محقق: عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دار المعارف الإسلامية.

۱۸. _____ (۱۳۸۱). *رجال*، نجف، انتشارات حیدریه.

۱۹. _____ (بی تا). *الفهرست*، نجف، المكتبة المرتضوية.

۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر عیاشی*، تهران، مطبعه علمیه.

۲۱. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق). *الخراج والخراج*، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲۲. کامیاب، مسلم و طباطبائی، سید محمد کاظم (۲۰۲۴م). *دراسه حول منهج علی بن ابراهیم القمی فی الروایات المهدویه فی تفسیر القمی*، مجله وعد الامم فی القران و الحدیث، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲۳. کامیاب، مسلم (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل محتوایی روایات مهدوی قرب الاسناد عبدالله بن جعفر حمیری، مجله انتظار موعود، شماره ۸۴، قم.

۲۴. _____ (۱۴۰۲). *تحلیل شاخصه های مدرسه حدیثی قم در نقل روایات مهدوی تا قبل از دوران صدوق*، مجله جامعه مهدوی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲۵. گروه علمی مؤسسه امام صادق علیه السلام (۱۴۱۸ق). *موسوعة طبقات الفقهاء*. زیر نظر جعفر سبحانی تبریزی، قم، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.

۲۶. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ق). *تنقیح المقال فی علم الرجال (ط الحدیثه)*، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، لإحياء التراث.

۲۷. محقق گرفمی، البرز؛ دلبری، سید علی و حق پناه، رضا (۱۴۰۲). *شیوه شناسی شبهه گری*



قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعه؛ مطالعه موردی استنادات به عیون اخبار الرضا علیه السلام، فرهنگ رضوی، شماره ۴۱، ص ۹-۳۴.

۲۸. مدنی بجستانی، سید محمود (۱۳۸۵). فرهنگ کتب حدیثی شیعه، تهران، نشر بین الملل.

۲۹. میرغفوریان، فاضله و بشیر، حسن (۱۴۰۰). تحلیل محتوای روایات امام رضا علیه السلام در باب توحید با محوریت کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام، فرهنگ رضوی، شماره ۳۴، ص ۸۷-۱۲۱، مشهد، مؤسسه انتشارات احیاء امر ولایت.

۳۰. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷). رجال، قم، انتشارات جامعه مدرسین.

۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۹ق). الغیبة، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.

۳۲. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ق). مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران، فرزند مولف.

